

شهروند محله چهاربرج، بعد از بازنشستگی
همراه همسرش دور کشور می چرخد

زوج ایران گرد

حسین برادران فرا بالاخره زمانی که منتظرش بود، فرارسید و بعد از سال ها کار طاقت فرسادر کارخانه قند بازدن آخرین مهر مأمور بایگانی بازنشسته شد. مهدی حاذق بلافاصله رفت دنبال یکی از بزرگ ترین حسرت هایش. به خاطر شغلش، آرزوی یک مسافرت طولانی و دل چسب به دلش مانده بود و حالا دیگر مانع و مشکلی برای تحقق این رؤیا نداشت. حدود پانزده سال قبل بارو بندیش را بست و با همسرش فاطمه رنجبر که همراه همیشگی او در زندگی بوده، راهی جاده ها و شهرهای ایران شد. سفری که هنوز هم ادامه دارد.

مهدی حاذق بین اهالی محله چهار برج به «آقای ایران گرد» معروف است. این زوج ایران گرد معمولا شش ماه از سال را در سفر سپری می کنند.

۱۲

داستان جلد



۲ ماه محو زیبایی های
جنوب بودیم

خانواده حاذق بعد از فراهم کردن مقدمات و تجهیزات لازم برای شروع ایران گردی، سوار بر خودرو شخصی، در اولین سفر خود به سمت جنوب حرکت می کند. مهدی آقا با یادآوری خاطرات می گوید: مازمان بندی خاصی برای شروع سفرهایمان داشتیم که ارتباط مستقیم با آب و هوا و فصل های سرد و گرم داشت. در فصل گرم بیشتر به مناطق شمالی کشور و در فصل سرد به مناطق جنوبی کشور می رویم. اولین سفر ما هم زمان با پاییز و فصل سرما از مشهد به سمت بنادر و مناطق جنوبی ایران بود.

ما همیشه روز حرکت می کنیم و حوالی غروب آفتاب و قبل از تاریک شدن هوا خودمان را به شهر یا محل اسکان موقتی مثل پارک، امامزاده یا مجتمع بین راهی می رسانیم و تا صبح در آن استراحت می کنیم.

آقا مهدی و همسرش، به قصد ایران گردی سفر می کنند و به همین واسطه به هر شهری که وارد می شوند، تا از همه ظرفیت های شهر بازدید نکنند، از آن شهر خارج نمی شوند. توقف در هر شهر، بنا بر اهمیت و بزرگی آن، از یکی دو روز شروع می شود و حتی در برخی شهرها تا دو هفته هم ادامه می یابد. آقای ایران گرد می گوید: در اولین سفر به جنوب، چنان تشنه دیدن زیبایی ها بودیم که سفر ما دو ماه طول کشید. البته که جنوب کشور وقتی بیشتر از این هم می طلبد.

خارج از ظرف زمان، در سفر

از آن روز که آقا مهدی و فاطمه خانم برای اولین بار به جاده زدند تا حالا پانزده سال است که زندگی شان در جاده و سفر می گذرد. به قول خودشان آنچه را می خواهند در خانه بخورند و بپوشند، در گوشه و کنار ایران سپری می کنند که لذتی دوچندان دارد. آقا مهدی می گوید: برای شروع یک سفر چند روزه یا حتی طولانی تر علاوه بر داشتن یک همسفر همراه و همدل، آنچه خیلی مهم است، بودجه مالی و وسیله نقلیه است. هدف ما از مسافرت، لذت بردن از زیبایی های طبیعی و گردشگری مسیر است و در چنین سفری، معمولاً زمان و روز مطرح نیست. در مسافرت، امکان خراب شدن وسیله نقلیه، بیماری و حتی اتفاقات غیرمنتظره دیگر نیز وجود دارد. ما هم برنامه سفرهایمان را بر اساس همین اتفاقات و احتمالات برنامه ریزی می کنیم. هزینه این سفرها از همان پول ماهیانه بازنشستگی تأمین می شود و وسیله سفر ما خودرو ال نودی است که در همیشه همراه ما بوده است.

پایان کار، آغاز سفر

از روزی که به استخدام کارخانه قند درآمد، وظیفه ای خاص در خط تولید به مهدی حاذق محول شد که فقط اواز پیش برمی آمد. همین کار و مشغله هر سال، او و همسرش را از یک سفر خانوادگی دور و دورتر می کرد. روزی که پایان دوره کاری اش رسید، در واقع آغاز دوره های سفرش بود. مهدی آقا تعریف می کند: هر هفته، روزهای تعطیل همراه خانواده به تفرجگاه های اطراف مشهد می رفتیم و همان یک روز باعث می شد در طول هفته با روحیه و انرژی زیاد سر کار بروم. این اولین امتیاز و ویژگی سفر کردن بود که من را به مسافرت علاقه مند کرد و یکی از برنامه هایم برای بازنشستگی، سفر به نقاط مختلف ایران بود. مهدی حاذق بعد از بازنشستگی و ازدواج آخرین فرزندش، مهیای سفر شد. بهترین همراه هم برای او همسری بود که سال ها در کنارش ایستاده و در همه سختی ها با او همراه و همگام بود. مهدی آقا می گوید: همسر خوب، همدل و همراه، بهترین نعمتی است که خدا نصیب یک مرد می کند. همسر می توانست بهترین همسفر برایم باشد. زمانی که موضوع سفر را با او مطرح کردم و موافقتش را گرفتم، دیگر جایی برای تأمل نبود.